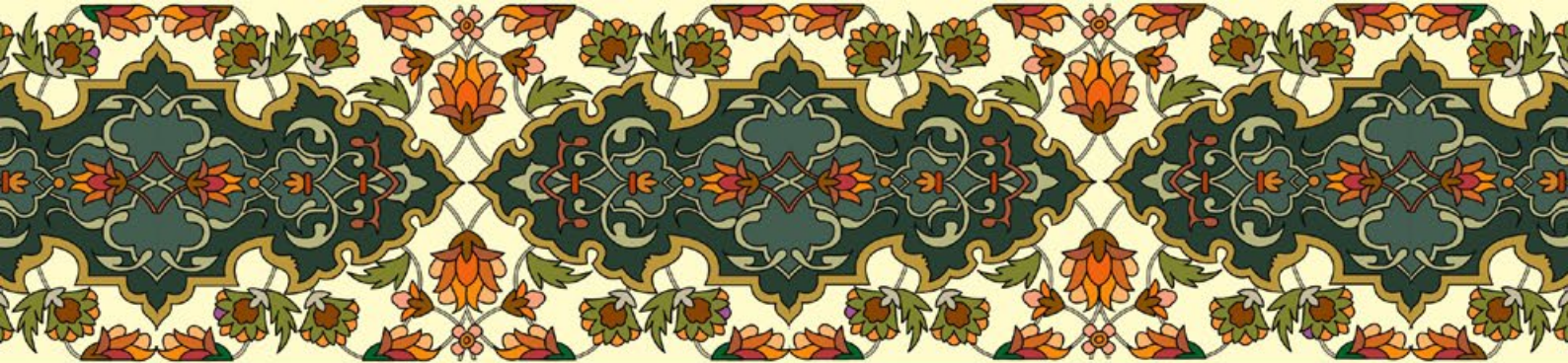




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



شماره: ۹

عنوان: سیطره‌ی منافقان بر جهان اسلام

نویسنده: مجتبی مزروعی

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۱۳

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بَیِّنَاتُ الظَّالِمِ فِي سَبِيلِ مَنصُورِهِمْ خَيْرٌ لِّلْغَالِبِ حَفِظَ اللَّهُ تَعَالَى

بسم الله الرحمن الرحيم



﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ
الْدُّ الْخِصَامُ﴾^۱

«و از مردم کسی است که در زندگی دنیا سخنش تو را متعجب می سازد و خدا را
بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است».

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در قسمت هایی از اثر جاویدان خود
«بازگشت به اسلام» به معرفی و افشای ماهیت دشمنان اسلام می پردازد و با
نگاهی عمیق و واقع بینانه، خطرناک ترین آنان را در اردوگاه خود مسلمانان و عبارت
از حاکمان خود فروخته و خائن آنان می داند؛ زیرا این حاکمان هستند که نفوذ
کافران را در میان مسلمانان ممکن می سازند و همسو با منافع آنان موضع گیری
و اقدام می کنند و به تضعیف و تخریب نهضت های اسلامی و اصلاحی در منطقه

می‌پردازند. این عالم صادق در بخشی از گفتار خود پیرامون دشمنان اسلام به حاکمان مسلمان اشاره نموده و می‌فرماید:

>... وانگهی گروهی از دشمنان اسلام، منافقانی هستند که مسلمان شمرده می‌شوند، در حالی که به آنچه خداوند بر پیامبرش نازل کرده است، کافرند و برای نابودی اسلام و استیلاء کفر بر جهان، با کافران همکاری می‌کنند و این در حالی است که مسلمانان، آنان را نمی‌شناسند و از کفر آنان، آگاهی ندارند؛ چنانکه خداوند از کفر آنان خبر داده و فرموده است: ﴿وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۱؛ «اگر آنان به خدا و پیامبر و چیزی که به او نازل شده است ایمان داشتند، آنان را دوستان خود نمی‌گرفتند، ولی بسیاری‌شان فاسق هستند!» آنان در واقع، شماری از کافرانند که حاکمان مسلمان شمرده می‌شوند و از جانب کافران، برای حکومت بر مسلمانان حمایت می‌شوند، تا منافع کافران را در میان مسلمانان، تأمین کنند!...>^۲

با نگاهی کوتاه به تاریخ اسلام و مرور تجربه‌های تلخ و ناگوار آن درمی‌یابیم که حقیقت دردناکی که جناب علامه به آن اشاره می‌فرماید تنها منحصر به زمان ما نیست، بلکه دشمنان اسلام در برهه‌های گوناگون تاریخ، در دو جبهه و با دو چهره علیه اسلام مشغول جنگ بوده‌اند: یکی در جبهه‌ی کافران و با چهره‌ی دشمنان آشکار دین خدا و دیگری در جبهه‌ی مسلمانان و با نقابی فریبکارانه و مسلمان‌گونه! دشمنان جبهه‌ی کفر، همواره عداوتشان واضح و مواضعشان معلوم بوده است و همیشه در طول تاریخ با راهبردهای تکراری و سناریوهای مشخص و تاریخ مصرف گذشته به دنبال تضعیف نیروی مسلمانان و نابودی اسلام بوده‌اند، اما آنان به واسطه‌ی خلأهای گوناگون و عدم امکان شکستن صفوف مسلمانان در این خواسته‌ی خود همواره ناموفق بوده‌اند، مگر آن زمانی که موفق شده‌اند راه نفوذی در میان جبهه‌ی مسلمانان بیابند و ستون پنجمی از میان خود را برای

۱. المائدة / ۸۱

۲. بازگشت به اسلام، ص ۴۲

تضعیف و تخریب صفوف یکپارچه‌ی مسلمانان استخدام کنند؛ عاملی که هم حافظ منافع ایشان در میان مسلمانان و هم طریق مطمئنی برای آگاهی از نقاط ضعف آنان باشد تا آنکه نهایتاً در فرصتی استثنایی و با توطئه‌ای پنهان، خنجر کفار را از پشت بر پیکر اسلام وارد کند و ضربه‌ای را که کفار هرگز قادر به وارد ساختن آن نبودند، بدون هرگونه مانعی وارد سازد؛ مانند دشمن ضعیف و حقیری که یارای مقابله‌ی رو در رو با حریف خود را در میدان جنگ ندارد، اما برای از پا در آوردن او، با نیرنگی کثیف و ویروسی مهلک را به بدن او منتقل می‌نماید تا آنکه عملاً او را از پا درآورد و بی‌دفاع سازد و آنگاه بدون هیچ‌واهمه‌ای بالای سرش حاضر شود و کارش را یکسره نماید.

آری! همیشه زهرآگین‌ترین و خطرناک‌ترین دشمنان اسلام در جبهه‌ی خودی قرار داشته‌اند؛ کسانی که نقاب ریاکارانه‌ی اسلام را بر چهره زده‌اند و دین را سپر بلای خویش کرده‌اند، در حالی که حقیقتاً به آن باور ندارند و اهمیتی نمی‌دهند. حقیقت آن است که توطئه‌چینی‌های منافقان مکار و خیانت‌های غافلگیرکننده‌ی آنان تاکنون ضربات سخت و جبران‌ناپذیری را بر پیکر امت اسلامی وارد ساخته است. شکست بسیاری از نهضت‌های بیدارگر و انقلابی، با یاری همین خائنان میسر گردیده و انزوا و غربت مجاهدان راستین مسلمان معلول خباثت همین گروه است. بسیاری از پیشوایان مسلمان و رهبران مجاهد با خدعه‌ی شنیع این جماعت از پای درآمده‌اند و همین‌گونه شده است که تحقق عدالت بر روی زمین پیوسته به تأخیر افتاده و فرج از این امت فاصله گرفته است.

جای بسی نگرانی و تأسف است که در حال حاضر فتنه‌ی این منافقان بسیار پیچیده شده و ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. عناصر نفاق در کشورهای اسلامی به قدرت رسیده‌اند و حاکمیت بر مسلمانان را در اختیار گرفته‌اند؛ حاکمانی که به ظاهر، مسلمانند اما سرسپردگی و انقیادشان در برابر کافران یا ضدیت و عداوت‌شان با جریان‌های اسلامی از کفر آنان در باطن حکایت دارد. گروهی از آنان با شعارهای سنی، تفکرات منحط اموی و عباسی را بر بخش کثیری از ممالک اسلامی گسترش می‌دهند و با اشاعه‌ی افراط‌گرایی و حمایت سیاسی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی، جان و مال و ناموس مسلمانان بی‌گناه را

هدف قرار می‌دهند و گروهی از آنان با شعارهای شیعی، خرافه‌گرایی و بدعت‌های مذهبی را در کشورهای اسلامی گسترش می‌دهند و موجب وهن اسلام و اختلاف میان مسلمانان می‌شوند و جالب آن است که هر دوی آنان، در دشمنی با پاک‌ترین دعوت زمانه به سوی اقامه‌ی اسلام خالص و کامل در جهان اتفاق نظر دارند و برای حفظ قدرت خود و جلوگیری از به قدرت رسیدن خلیفه‌ی خداوند در زمین از هیچ شرارت و شیطنتی فروگذار نمی‌کنند! چنانکه به عنوان نمونه، عناصر مزدور و خودفروخته‌ی آنان که به هیچ معبودی جز اربابان خود باور ندارند، هر روز در حال دسیسه و توطئه‌چینی برای ضربه زدن به نهضت مطهر «بازگشت به اسلام» و سدّ راه رهبر آزاده و بزرگ آن منصور هاشمی خراسانی هستند و برای این منظور، به هر دروغ و تهمت و اقدام ایدایی و پلیدی دست می‌زنند. چه بسیار جوانان فرهیخته و متعهدی که به جرم اجابت دعوت حق به سوی اسلام خالص و کامل، در زندان‌های آنان به سر می‌برند و رنج می‌کشند و چه بسیار مردان و زنان محترم و شریفی که به جرم ترجیح مهدی بر خدایان آنان، بدنام و بی‌آبرو می‌شوند و مورد شتمات و اهانت قرار می‌گیرند!

بی‌گمان امروز بیش از هر زمان دیگری خطر نفاق و تهدید منافقین احساس می‌شود؛ چرا که قدرت‌های منافق منطقه روز به روز در حال گستاخ‌تر شدن هستند و دشمنی‌های خود با اسلام را آشکارتر می‌سازند. این بحران عظیم و فتنه‌ی بزرگی است که به شکل فزاینده‌ای در حال گسترش است و تردیدی نیست که مسلمانان باید در برابر آن هوشیار باشند تا در تله‌ی مرگبار آنان نیفتند.

البته شکی نیست که ختم این غائله‌ی شیطنانی توسط خلیفه‌ی خداوند در زمین انجام خواهد شد؛ زیرا کسی جز او توان غلبه بر این شیران فتنه‌گر با شکم‌های بزرگ و گردن‌های کلفت‌شان را ندارد و او همان مهدی آل محمد است که به وعده‌ی قطعی خدا و رسولش، جهان را از عدل و داد پر می‌کند همان‌طور که از ظلم و جور پر شده باشد، ولی واقعیت این است که برای تحقق حاکمیت این بزرگوار و مقابله‌اش با منافقان شیطان‌صفت، نمی‌توان دست بر روی دست گذاشت و به دعا و انابه برای ظهور آن حضرت بسنده کرد، بلکه ضروری است اجتماعی از مسلمانان مخلص و مجاهد برای حمایت و نصرت همه‌جانبه از آن حضرت شکل

داد و آمادگی خود برای حفاظت و اعانت او را اعلام نمود و بیعت باطل خود با سایر حاکمان را شکسته و با خلیفه‌ی بر حق خدا بر روی زمین بیعت کرد؛ چراکه بدون شکل‌گیری چنین اجتماعی، ظهور مهدی ممکن نخواهد شد و ضمانتی برای بقا و پیروزی او نخواهد بود و این همان هدف والایی است که حضرت منصور هاشمی خراسانی با نهضت اسلامی و مردمی خود، آن را پی می‌گیرد و برای تحقق آن تلاش می‌کند و از این رو، نهضت مبارک ایشان، بهترین فرصت برای گردهمایی و اجتماع جوانان دوستدار مهدی و منتظران حقیقی ظهور او جهت اعلام وفاداری و بیعت با آن حضرت است؛ نهضتی که با طرح شعار «البیعة لله» هر بیعتی جز با خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین را بیعت با طاغوت می‌داند و با اعتقاد به امکان تحقق حاکمیت مهدی به شرط فراهم شدن زمینه‌های مزبور، برای حاکمیت آن حضرت به صورت عینی و عملی زمینه‌سازی می‌کند. لذا ضروری است همه‌ی کسانی که در ادّعای خود مبنی بر یاری، محبّت و انتظار فرج آل محمد راستگو هستند، هر چه زودتر پا به میدان بگذارند و برای نزدیک شدن و تحقق عملی ظهور مهدی به گرد این پرچم هدایت جمع شوند و ندای آگاهی بخش و بیدارگر «بازگشت به اسلام» را با صدای بلند فریاد بزنند، هر چند منافقان کوردل و شیطان صفت خوش نداشته باشند و از فرط حسادت و غضب در حال انفجار باشند!

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۲. مقاله‌ی «توطئه‌ی نظام ایران علیه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی؛ عوامل و انگیزه‌ها»
۱. مقاله‌ی «خلع ید آل سعود از پرده‌داری کعبه؛ اولویت مهم جهان اسلام»



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.